

فتح بندر عباس و جزایر قشم و هرمز

پس از اینکه شاه عباس بزرگ بالاخره با کمک انگلیسها بر تقالیه‌ها از جزیره هرمز بیرون راند بندر ریخ شهر مرمروف هرمز غیر مسکون گردید زیرا شاه ایران در نظر داشت بجای آن شهر قریه کوچکی را که در ساحل دریا قرار داشت و **گومبرون** نامیده میشد تا آنوقت اقامتگاه جماعتی از صیادان بود بشهری عظیم مبدل سازد و بهمین منظور شهر مزبور را بوجود آورد و نام آنرا **بندر عباس** نهاد این شهر بندر ریخ شهرت و اهمیت بسیار حاصل کرد زیرا در آن موقع بیشتر تجارت بین اروپا و خاور دور از راه خلیج فارس انجام میپذیرفت و بدین طریق جمعیت بندر عباس زیاد شد و مرکز تجارت خلیج فارس گردید. شاه عباس از بیم آنکه مبدا انگلیسها روزی بفکر ساختن قلعه‌ای مستحکم در بندر عباس برای خود افتند اجازه ساختن تجارتخانه بآنها نداد و فقط بآنها اجازه داد که در آنجا دو عمارت مسکونی داشته باشند.

نادر شاه گرچه سعی کرد قدرت ایران را در خلیج فارس زیاد کند ولی چون اشکال تجهیز بنادر آنرا میدانست ناحیه بندر عباس و جزایر قشم و هرمز را درازای خراج سالیانه‌ای بشیخ قبیله بنی معانی با جاره واگذار نمود. در اوایل قرن هیجدهم یکی از سلاطین مسقط موسوم بسطان بنی احمد اراضی در اختیار شیخ قبیله بنی معانی را از او گرفت و از دولت ایران درخواست که اجازه اداره این نواحی باو داده شود.

در سال ۱۲۱۳ هجری قمری برابر با ۱۷۹۸ میلادی سلطان بنی احمد از طرف دولت ایران فرمانی دریافت کرد که بموجب آن در ازای پرداخت سالی شش هزار تومان بدولت ایران حق زراعت در نواحی بندر عباس و قشم و هرمز و استخراج معادن گوگرد حمیر و میناب بصورت اجاره باو واگذار شود.

در همین سال برای اولین بار کمپانی هند شرقی انگلیس روابط سیاسی با حکمران مسقط و عمان برقرار نمود و قراردادی در تاریخ ۱۲ اوت ۱۷۹۸ برابر با ۱۲۱۳ هجری قمری بین آنها منعقد گردید و سپس در ژانویه سال ۱۸۰۰ میلادی برابر با ۱۲۱۴ هجری قرارداد دومی بین سر جان ملکم بنمایندگی از طرف کمپانی هند شرقی و سلطان مسقط منعقد شد و بموجب آن ترتیبی داده شده بود که یک نماینده از طرف دولت انگلستان در مسقط مقیم گردد.

سپس پس از اینکه در نوامبر ۱۸۱۹ برابر با ۱۲۳۵ هجری انگلیسها دزدان دریائی را در خلیج فارس شکست دادند و رؤس الخیمه را از آنها گرفتند بقول آقای مرخم (۱) برای دولت انگلیس ضروری بود که یک نیروی دریائی در خلیج فارس نگاه دارند و برنامه خود را بنحویز تنظیم و بموقع اجرا در آورند:

- ۱ - دزدان دریائی را در خلیج فارس تارومار نمایند و تجارت انگلیس را در این صفحات توسعه دهند.
- ۲ - وضع استاتسکو تورابین حکام ورؤسای بنادر خلیج حفظ نمایند.
- ۳ - از جنگ و قلداری در دریا جلوگیری نمایند.
- ۴ - از نفوذ خارجیان در این منطقه جلوگیری نمایند.
- ۵ - تجارت برده را منع نمایند.

برای انجام این منظورها بموجب قراردادی که با سلطان مسقط منعقد نمودند نه تنها حق گشودن کارخانه‌ای را در بندرعباس بدست آوردند بلکه موفق شدند حق نگاهداشتن هفتصد نفر سپاهی را در جزیره قشم و ساختن یک ایستگاه دریائی را در آن جزیره برای خود کسب کردند و بالنتیجه ایستگاه دریائی باسادر Bassadore یا بقولی Bassidri را در جزیره قشم ساختند و یک کشتی جنگی دیده بان و کشیک برای حفاظت خلیج در آنجا مستقر کردند و همچنین یک مریضخانه و یک زمین تنیس و یک اطاق برای بازی بیلیارد

۱ - کلمنت آرمرخم در تاریخ مختصر ایران که در ۱۸۷۴ بزبان انگلیسی

ویک بازار در ساحل جزیره قشم از طرف آنها برپا گردید و نیروی دریائی مقیم قشم مستقیماً تحت نظر نماینده انگلستان مقیم بوشهر در آمد .

اشغال قشم توسط نیروی دریائی انگلیس و همچنین ایجاد کارخانه در بندرعباس که صرفاً با اجازه سلطان مسقط ولی بدون اجازه ازدولت علیه ایران که مالک اصلی این جزایر و بندرها بود موجب اعتراض شدید دولت ایران شد. حکومت هندوستان در سال ۱۲۳۸ هجری برابر با ۱۸۲۲ میلادی دکتر اندریو جیوک Dr. Andrew Juke را برای ادای توضیحات و تشریح دلایلی که منجر بچنین اقدامی از طرف دولت انگلستان شده بود بایران اعزام داشت ولی وی قبل از رسیدن بپهران در شهر اصفهان از مرض وبا در گذشت (۱) و این موضوع همچنان حل نشده باقی ماند. و سلطان مسقط با اجازه مختصری که بدولت ایران میپرداخت عملاً سلطه خود را بر بنادر جنوب ایران همچنان نگاه میداشت .

وی نه تنها حدود بندرعباس و جزایر مرکز خلیج را در اختیار داشت بلکه بتدریج با خوانین لارستان نیز بنای مراوده را گذاشت و دوسه بلوک معتبر از بلوک سبعة را از ایشان اجاره نمود و در آنجا قلاع مستحکم ساخت و مستحفظ گماشت و سرازاطاعت دولت ایران و پرداخت مالیات واجاره بهای سالیانه در پیچید. - هر وقت حاکم فارس و کرمان لشکری بدفع او میفرستاد اظهار عبودیت و رقیقت از دولت ایران میکرد و مالیات مختصری میپرداخت و چون تا بستان فرامیرسید و لشکرکشی بآن صفحات مشکل میشد مجدداً سرکشی آغاز میکرد. اینوضع در تمام دوره محمدشاه و اوایل سلطنت ناصرالدینشاه یعنی دوره صدارت میرزا تقیخان امیرنظام ادامه داشت. حتی بطوریکه از نامه های زیر که جزو اسناد وزارت خارجه انگلستانست برمیآید بتدریج سلطان مسقط با اخذ تماس با دولت انگلستان سعی بلیغ میکرد تا خود را بکلی از رقیقت ایران خارج سازد و تحت حمایت دولت انگلستان درآورد و بالطبع درچنین حالتی بعنوان سرجهادی تمام جزایر جنوب نیز میرفت. نامه های زیر از نظر روشن شدن گوشه ای از تاریخ ایران اهمیت حیاتی دارد. این نامه ها در اواخر سلطنت محمدشاه بین ایران

وسفیر انگلیس در ایران مبادله شده و میرساند که با چه عقیده و زرنگی شیل و فارانت سعی کرده اند که بندرعباس را مانند هرات مستقل از ایران تلقی نمایند و تهدید کرده اند که اگر اقدامی از طرف ایران برای حمله به بندرعباس شود ممکنست موجب بروز عواقب وخیم گردد.

اینک اصل نامه ها :

۱- اولین نامه از سرگرد اس. هسنل Major. S. Hesnell نماینده مقیم انگلستان در منطقه خلیج فارس بکلنل شیل سفیر انگلیس در دربار ایران می باشد. (این نامه در اول نوامبر ۱۸۴۷ برابر با اواخر سال ۱۲۶۳ از بوشهر نوشته شده است).

« به پیوست ترجمه نامه ای را که در ششم ماه قبل شیخ سیف بن نوبهان حاکم بندرعباس خطاب باینجناب ارسال داشته و در آن نوشته است که امام مسقط درخواست فوق العاده ای از ملکه انگلستان کرده است تا دولت انگلیس او را از نظارت دولت ایران بر امور آن قسمت از اراضی امام که متعلق بایران و بطور اجاره در اختیار او است خلاص سازند و این نظارت سیاسی را درخواست کرده اند باینجناب (منظور سرگرد هسنل است) تفویض شود و شیخ سیف اضافه میکند که پاسخی از علیا حضرت ملکه انگلستان رسیده دایر بر اینکه موضوع را باینجناب (منظور کلنل شیل سفیر انگلستان در دربار ایران است) احاله و دستورات لازم صادر نموده اند تا امور امام را تحت مراقبت و حمایت خود بگیرند .

بنظر می آید که برای شیخ سیف درباره محتویات نامه علیا حضرت ملکه انگلستان بشما سوء تفاهمی حاصل شده باشد معذک چون وی از من تقاضا کرده است عین درخواست او را برای آنجناب ارسال می دارم و لازم دانستم تا ترجمه ای از این نامه را نیز بضمیمه ارسال دارم - تا از مفهوم و متن آن اطلاع حاصل فرمائید. در پاسخی که اینجناب بوی دادم کاملاً نسبت بوجود هر گونه تریباتی درین باره اظهار بی اطلاعی نموده ام - و تنها باین اکتفا کرده ام که برای اجرای خواش او نامه ای ویرا خدمت آنجناب ارسال دارم - امضا اس. هسنل.

۲ - ترجمه نامه شیخ سیف بن نوبهان حاکم بندرعباس به سرگرد هسنل نماینده مقیم انگلستان در خلیج فارس که در ششم اکتبر ۱۸۴۷ نوشته شده است .

درءاء ژوئن گذشته من نامه‌ای از حضرت امام مسقط دریافت کرده‌ام که در آن متذکر شده‌اند که نامه‌ای به علیاحضرت ملکه انگلستان (ملکه ویکتوریا) نوشته و در آن تقاضا کرده‌اند که معطم لها اینویلیت را که فعلا در اختیار اینجانب است باشما مربوط سازد و تمام مراجعاتی که در امور مربوط باینجانب میشود خواه خرد و خواه کلان بشما احاله گردد و دست ایرانیان بکلی از این اراضی که در دست مولای من صید سعید میباشد کوتاه گردد و وقتی حضرت امام شنیدند که شما قصد ملاقات با اینجانب را دارید مطمئن شدند که مربوط بهمین امر است. علیاحضرت ملکه در پاسخی که بحضرت امام داده‌اند با اطلاع ایشان رسانیده‌اند که دستورات لازم در اینباره بوزیر مختار انگلیس در تهران داده‌اند تا امور صید سعید زیر نظر و مراقبت ایشان درآید و دست ایرانیان از این اراضی بکلی کوتاه شود و اگر حکومت ایران دست یعملیات غیر دوستانه نسبت بامام و اراضی تحت اختیار او زد نمایند انگلستان بایستی از حضرت امام پشتیبانی نمایند و بهر که او (کلنل شیل) تعیین کنند من بایستی اجازه سالیانه را بپردازم و در صورتیکه ایرانیها تن به چنین ترتیباتی ندهند حضرت امام مسقط از طرف ملکه انگلستان اختیار خواهد داشت تا بناد ایران را از بوشهر تا سواحل فارس تا آنجائیکه وسائل او اجازه دهد کاملاً ویران سازد شما ممکنست در این باره از منبع دیگری اطلاع یافته باشید.

من قبلاً بشما نوشته‌ام و با اطلاع شما رسانیده‌ام که حضرت امام در این باره چه شنیده‌اند و نامه‌ای از طریق رئیس جزیره قشم بهمین منظور با کشتی بوشهر ارسال داشته‌ام و اطمینان دارم که نامه اینجانب بدست شما رسیده است گرچه دریافت نکردن پاسخی بنامه‌ام مرا بر آن میدارد تصور کنم که نامه‌ام بشما نرسیده باشد بنا بر این لازم دیدم که این امر را با اطلاع شما برسانم تا آنرا برای سفیر انگلستان در دربار ایران ارسال دارید و تأیید نظر اینجانب را از ایشان دریافت فرمائید.

(ناتمام)